

Quarterly Journal Of Health Psychology

Open
Access

ORIGINAL ARTICLE

The Structural Role of level of Personality Functioning and Attachment Styles in Emotional Eating: A Mediating Factor of Defense Mechanisms

Elham Zamirpour Moghadamnia¹, Isaac Rahimian Boogar^{2*}, Siavash Talepasand³

¹M.A. Student in Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran.

²Associate Professor, Department of Clinical Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran.

³Associate Professor, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Semnan University, Semnan, Iran.

Correspondence

Isaac Rahimian Boogar

Email: i_rahimian@semnan.ac.ir

ABSTRACT

Objective: The aim of this study was to determine the structural effect of personality functioning and attachment styles on emotional eating by considering the mediating factor of defense mechanisms. **Method:** In the correlation design with structural equation modeling method, 800 participants were selected by compliance sampling method. The data collected with Eating Behavior Questionnaire, the Collins and Reed Adult Attachment Style Questionnaire, the Defense Styles Questionnaire and the short form of The Personality Function Levels Scale was completed by the sample. **Results:** The level of personality functioning (0.52) and the secure (0.91), anxious (0.39) and avoidant (0.51) attachment style have a direct structural effects on emotional eating ($P < 0.05$). The level of personality functioning, considering the mediating factor of mature (0.76), immature (0.83) and neurotic (0.79) defense mechanisms, has an indirect structural effect on emotional eating ($P < 0.05$). Secure (0.61), anxious (0.61) and avoidant (0.72) attachment styles have an indirect structural effect on emotional eating with mediating factor of mature defense mechanisms ($P < 0.05$). Secure (0.78), anxious (0.60) and avoidant (0.79) attachment styles have an indirect structural effect on emotional eating with mediating factor of immature defense mechanisms ($P < 0.05$). Secure (0.86), anxious (0.67) and avoidant (0.73) attachment styles have an indirect structural effect on emotional eating with mediating factor of neurotic defense mechanisms ($P < 0.05$). The results showed that the structural model has an acceptable fit with the collected data. The fit of the structural model implies the direct and indirect role of personality functioning level and attachment styles on emotional eating, considering the mediating role of defense mechanisms. **Conclusion:** Personality disorders have been linked to uncontrolled and binge eating, suggesting that individuals who binge eat may have more

How to cite

Zamirpour Moghadamnia, E., Rahimian Boogar, I. & Talepasand, S. (2024). The Structural Role of level of Personality Functioning and Attachment Styles in Emotional Eating: A Mediating Factor of Defense Mechanisms. Quarterly Journal Of Health Psychology, 13(1). 99-114.

maladaptive and less adaptive personality traits. The emotion regulation theory of eating behavior proposes that emotional eating can improve mood by reducing negative emotions. This overlap in emotion regulation between personality functioning and emotional eating may explain their relationship. Immature defense mechanisms are associated with emotional eating, which acts as a strategic defense to alleviate negative emotions, though it often leads to problems. The way mothers and children interact during stressful situations shapes a child's self-regulation, cognitive and emotional foundations, and coping strategies. Without secure attachment, individuals may struggle to regulate their emotions effectively, resorting to unhealthy strategies like binge eating. These findings could inform the development of psychological interventions and treatment protocols for binge eating and obesity.

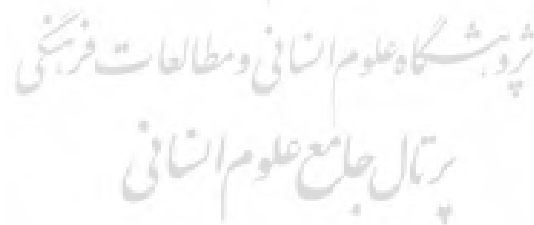
KEY WORDS

Attachment styles, Defense mechanisms, Emotional eating, Personality functioning level.

© 2024, by the author(s). Published by Payame Noor University, Tehran, Iran.

This is an open access article under the CC BY 4.0 license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

<https://hpj.journals.pnu.ac.ir/>



نشریه علمی

روانشناسی سلامت

«مقاله پژوهشی»

نقش ساختاری سطح کارکرد شخصیت و سبک‌های دلبستگی در غذا خوردن هیجانی: عامل واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی

الهام ضمیرپور مقدم‌نیا^۱، اسحق رحیمیان بوگر^{۲*}، سیاوش طالع‌پسند^۳

چکیده

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف تعیین اثر ساختاری سطح کارکرد شخصیت و سبک‌های دلبستگی بر غذا خوردن هیجانی با در نظر گرفتن عامل واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی انجام گرفت.

روش: در یک طرح همبستگی با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، تعداد ۸۰۰ شرکت‌کننده به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند داده‌ها با پرسشنامه‌های رفتار خوردن داچ، پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید، پرسش‌نامه سبک‌های دفاعی و فرم کوتاه مقیاس سطوح کارکرد شخصیت توسط افراد نمونه جمع‌آوری شد.

یافته‌ها: سطح کارکرد شخصیت (۰/۵۲) و سبک‌های دلبستگی ایمن (۰/۹۱)، اضطرابی (۰/۳۹) و اجتنابی (۰/۵۱) بر غذا خوردن هیجانی اثر ساختاری مستقیم دارد ($P < ۰/۰۵$). سطح کارکرد شخصیت با در نظر گرفتن عامل واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته (۰/۷۶)، رشدنیافته (۰/۸۳) و روان‌آزرده (۰/۷۹) بر غذا خوردن هیجانی اثر ساختاری غیرمستقیم دارد ($P < ۰/۰۵$). سبک‌های دلبستگی ایمن (۰/۶۱)، اضطرابی (۰/۶۱) و اجتنابی (۰/۷۲) با در نظر گرفتن عامل واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته بر غذا خوردن هیجانی اثر ساختاری غیرمستقیم دارد ($P < ۰/۰۵$). سبک‌های دلبستگی ایمن (۰/۷۸)، اضطرابی (۰/۶۰) و اجتنابی (۰/۷۹) با در نظر گرفتن عامل واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی رشدنیافته بر غذا خوردن هیجانی اثر ساختاری غیرمستقیم دارد ($P < ۰/۰۵$). سبک‌های دلبستگی ایمن (۰/۸۶)، اضطرابی (۰/۶۷) و اجتنابی (۰/۷۳) با در نظر گرفتن عامل واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی روان‌آزرده بر غذا خوردن هیجانی اثر ساختاری غیرمستقیم دارد ($P < ۰/۰۵$).

نتیجه‌گیری: از آنجا که اختلال در شخصیت با پرخوری و خوردن کنترل نشده ارتباط دارد لذا می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری نمود که افراد دارای پرخوری، کارکرد شخصیت ناسازگار بالاتر و کارکرد شخصیت سازگار پایین‌تری دارند. بر اساس نظریه‌ی تنظیم هیجان که یکی از نظریه‌های رفتار غذا خوردن هیجانی است، خوردن هیجانی می‌تواند با کاهش هیجانات منفی، خلق و خو را بهبود بخشد. لذا با توجه به همپوشی بین مفاهیم تنظیم هیجان در دو متغیر سطح کارکرد شخصیت و غذا خوردن هیجانی به نظر می‌رسد این اشتراک علت ارتباط این دو متغیر با یکدیگر باشد. دفاع نابالغ با خوردن هیجانی مرتبط است و خوردن هیجانی نیز همچون مکانیزم دفاعی راهبردی برای کاهش هیجانات منفی می‌باشد که در نهایت آسیب‌های بسیاری را به دنبال دارد. هماهنگی مادر با کودک در موقعیت‌های پراسترس خودتنظیمی و مبانی شناختی و هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای کودک را شکل می‌دهد؛ در صورتی که دلبستگی ایمن در فرد شکل نگیرد، قادر به تنظیم هیجانات و کنترل هیجانات خود به شیوه‌ی صحیح نخواهند بود و از راهبردهای نامناسبی همچون پرخوری برای تنظیم هیجانات خود استفاده خواهد کرد. نتایج پژوهش می‌تواند به تدوین و طراحی مداخلات روانشناختی و پروتکل‌های درمان پرخوری و چاقی کمک کند.

واژه‌های کلیدی

سبک‌های دلبستگی، سطح کارکرد شخصیت، غذا خوردن هیجانی، مکانیزم‌های دفاعی.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

^۲ دانشیار، گروه روانشناسی بالینی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

^۳ دانشیار، گروه روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

نویسنده مسئول:

اسحق رحیمیان بوگر

رایانامه: i_rahimian@semnan.ac.ir

استاد به این مقاله:

ضمیرپور مقدم‌نیا، الهام، رحیمیان بوگر، اسحق و طالع‌پسند، سیاوش (۱۴۰۳). نقش ساختاری سطح کارکرد شخصیت و سبک‌های دلبستگی در غذا خوردن هیجانی: عامل واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی. فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی سلامت، ۱۳(۱)، ۹۹-۱۱۴.

مقدمه

اختلالات خوردن^۱ طی پنجاه سال گذشته روند رو به افزایشی داشته (تریشر^۲، ۲۰۲۰) و به آشفتگی در رفتارهای متعادل مرتبط با غذا خوردن گفته می‌شود و باعث ایجاد اختلال در افکار و تصورات فرد نسبت به غذا و خود می‌گردد (کلین و والش^۳، ۲۰۰۴). یکی از عواملی که در اختلالات خوردن نقش دارد خوردن هیجانی^۴ می‌باشد (اسکاندون ناگل و همکاران^۵، ۲۰۱۸) که با تمایل به پرخوری در پاسخ به هیجان‌های منفی توصیف می‌شود (آلتیمر و اوری^۶، ۲۰۱۹؛ کانتین و همکاران^۷، ۲۰۱۹؛ وان استرین^۸، ۲۰۱۸). خوردن هیجانی به عنوان تمایل به پرخوری در پاسخ به احساسات منفی^۹ همچون احساس افسردگی^{۱۰} تعریف شده است (انجمن روانپزشکی آمریکا^{۱۱}، ۲۰۱۳). بسیاری از افرادی که رفتارهای خوردن مخرب دارند، این طور احساس می‌کنند که پرخوری برایشان آسان تر از مقابله با تصاویر، افکار و عواطف ناخوشایند می‌باشد (گینسبرگ^{۱۲}، ۲۰۰۷).

یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتارهای خوردن سطح کارکرد شخصیت^{۱۳} می‌باشد (وان رایبل و همکاران^{۱۴}، ۲۰۲۰). طی دو دهه گذشته، گروه‌های تحقیقاتی بسیاری بر نقش شخصیت در اختلالات خوردن و وزن تأکید کرده و با بررسی‌های فرا تحلیلی ادبیات اخیر به همبودی مشترک اختلالات شخصیتی در اختلالات خوردن و تأثیر شخصیت (ویژگی‌ها و اختلالات) در دوره بالینی و نتیجه درمان آن تمرکز کرده‌اند (مارتینیوسن و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۷). در واقع سطح کارکرد شخصیت به بررسی آسیب شخصیت از نظر نقص در کارکرد خود^{۱۶} (هویت^{۱۷} و خود جهت دهی^{۱۸}) و کارکرد بین فردی^{۱۹} (همدلی^{۲۰} و صمیمیت^{۲۱}) و ارزیابی وجود و شدت آسیب‌شناسی

شخصیت می‌پردازد (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۲۰۱۳؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ اسکودل، موری، بندر و اولدهام^{۲۲}، ۲۰۱۵). یکی دیگر از عوامل مؤثر بر خوردن هیجانی دلبستگی^{۲۳} است که بر تنظیم هیجان^{۲۴} تأثیر گذاشته و مبنایی برای رفتارهای تنظیم کننده در رشد بهنجار بخصوص در زمینه‌ی رفتارهای خوردن می‌باشد (هرمن و پالیوی^{۲۵}، ۲۰۰۴؛ کوپرز و همکاران^{۲۶}، ۲۰۱۶؛ داکانالیس، کلریسی و کارا^{۲۷}، ۲۰۱۶؛ فابر، دوبه و کناپر^{۲۸}، ۲۰۱۸). دلبستگی جو عاطفی بین کودک و مراقب اولیه (معمولاً مادر) می‌باشد و ملاکی برای جستجو و میل به بودن وی در کنار افراد مراقب است (سادوک و سادوک^{۲۹}، ۲۰۱۱). هماهنگی مادر با کودک در موقعیت‌های پراسترس خودتنظیمی^{۳۰} و مبنای شناختی و هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای^{۳۱} کودک را شکل می‌دهد (شیور، ساچنر و میکولینسر^{۳۲}، ۲۰۰۵). پاسخ‌های کودک به استرس و تنظیم هیجانی در مراحل اولیه زندگی شکل می‌گیرد (علی‌بخشی و همکاران، ۱۳۹۴). به اعتقاد بالبی (۱۹۷۳) پیوند عاطفی مادر-کودک نقش مهمی در خودتنظیمی عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودک دارد (تیمورپور، بیدختی و پورشهباز، ۱۳۹۰). پژوهش‌ها حاکی از آن است که رفتارهای ارتقاءدهنده‌ی سلامت با سبک دلبستگی ایمن رابطه دارد (سپاه منصور و باقری، ۱۳۹۶). همچنین، تجربه‌ی مراقبت ناسازگارانه، سرد و همراه با غفلت منجر به دلبستگی ضعیف و توانایی پایین در تنظیم و مقابله با حالات هیجانی متفاوت می‌گردد (میکولینسر و شاور، ۲۰۱۹). سبک دلبستگی نایمن به تنظیم هیجانی کودک آسیب وارد می‌کند. شواهد فزاینده‌ای در مورد رابطه بین هیجان‌های منفی و چاقی وجود دارد و دشواری در تنظیم هیجان‌های منفی ممکن است منجر به خوردن در غیاب گرسنگی شود (علی‌بخشی و همکاران، ۱۳۹۴). افراد دارای دلبستگی نایمن به دلیل اینکه در کنترل هیجان‌های منفی خود ناتوانند، برای تنظیم هیجان‌های خود به راهبردهای نامطلوبی چون پرخوری و منابع بیرونی همچون غذا تکیه می‌کنند (ماندر و هانتز^{۳۳}، ۲۰۰۱؛ بیرچ^{۳۴}، ۲۰۰۲)؛ اما افراد با دلبستگی ایمن زمانی که در زندگی با تهدیدی روبرو

1. eating disorders
2. Treasure
3. Klein & Walsh
4. emotional eating
5. Escandón-Nagel et al.
6. Altheimer & Urry
7. Konttinen et al.
8. Van Strien
9. negative emotions
10. depressive feelings
11. American Psychiatric Association, DSM-5 Task Force
12. Ginsburg
13. Personality Function Level
14. Van-Riel
15. Martinussen
16. self-functioning
17. identity
18. self-direction
19. interpersonal functioning
20. empathy
21. intimacy

22. Skodol, Morey, Bender, Oldham

23. attachment

24. emotion regulation

25. Herman & Polivy

26. Kuipers et al.

27. Dakanalis, Clerici & Carra

28. Faber, Dube & Knauper

29. Sadock & Sadock

30. self-regulation

31. coping-strategies

32. Shaver, Schachner & Mikulincer

33. Maunder & Hunter

34. Birch

وی کمتر می‌شود. (ریلی^۹، ۲۰۱۹؛ مارتینو و همکاران، ۲۰۲۰؛ یونا دروری و بن اشلومو^{۱۰}، ۲۰۲۰)

بررسی پژوهش‌های گذشته از رابطه‌ی ساختار و ویژگی‌ها و ابعاد شخصیت با اختلال پرخوری حمایت می‌کنند (وان ریل و همکاران، ۲۰۲۰؛ واینیک و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۹؛ کریر و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۹؛ رینال، ملیولی و چابروول، ۲۰۱۶؛ کلر و سیگریست^{۱۳}، ۲۰۱۵؛ ببادی و همکاران، ۱۳۹۹؛ زکی بی و همکاران، ۱۳۹۵). علاوه بر این در مطالعه‌ی به رابطه‌ی بین مکانیزم‌های دفاعی با اختلال پرخوری و شخصیت پرداخته شد (پینی و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۳). منجم، میرزاپور و میرزاحسینی (۱۳۹۷) در مطالعه‌ی به رابطه‌ی سازمان یافتگی شخصیت و الگوی مرضی با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی در دانشجویان پرداخته شد و نشان داد که این مدل پیش‌بین خوبی برای الگوی مرضی خوردن است. همچنین مطالعات از رابطه‌ی دلبستگی و خوردن ناسالم و چاقی حمایت می‌کنند (ویلکینسون، رو و میلینگز^{۱۵}، ۲۰۲۰؛ فابر و همکاران، ۲۰۱۸؛ هان و کاهن^{۱۶}، ۲۰۱۷؛ منجم و همکاران، ۱۳۹۷؛ بشارت و همکاران، ۱۳۹۳؛ اشرافی، ۱۳۹۳) و مطالعه‌ی ارتباط دلبستگی با مکانیزم‌های دفاعی را نشان داد و مکانیزم‌های دفاعی نابالغ را به‌عنوان میانجی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی ناایمن و آسیب‌شناسی روانی قرار داد (لازکوویکز^{۱۷} و همکاران، ۲۰۱۸). همچنین مطالعات قبلی بر نقش میانجی مکانیزم‌های دفاعی بر سبک‌های دلبستگی و اختلالات خوردن تاکید داشته‌اند (پینی و همکاران، ۲۰۱۳؛ کچویی، فتحی آشتیانی و الهیاری، ۱۳۹۱). فرجاد و همکاران (۱۳۹۲) و دفرانسیسکو کاروالهو، ریس و بیانوسکی^{۱۸} (۲۰۱۹) نیز به پیش‌بینی و وجود رابطه سبک‌های دفاعی بر اساس سازمان شخصیت و ابعاد پرداختند و آن را تایید کرده‌اند.

اما با توجه به پژوهش‌های انجام گرفته خلاء پژوهشی در رابطه‌ی غیرمستقیم بین سبک‌های دلبستگی با خوردن هیجانی به‌طور خاص با در نظر گرفتن نقش واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی به خصوص در پژوهش‌های داخلی به چشم می‌خورد. همچنین کمبود پژوهشی در رابطه سطح کارکرد شخصیت و خوردن هیجانی به‌طور

می‌شوند می‌توانند از راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم هیجان به شکل کارآمدی استفاده کنند (میکولینسر و شاور، ۲۰۱۹) فرد با سبک دلبستگی ایمن در شرایط تنش زا توانایی تنظیم هیجانات خویش را دارد و کم‌تر به مکانیزم‌های نابالغی چون پرخوری روی می‌آورد (بشارت و همکاران ۱۳۹۳).

در این بین مکانیزم‌های دفاعی می‌تواند عامل تاثیرگذاری باشد. به عبارتی دیگر، از آنجا که شکل‌گیری مکانیزم‌های دفاعی^۱ تحت تاثیر دلبستگی مادر- فرزند قرار دارد (سادوک و سادوک، ۲۰۱۱؛ گلدبرگ^۲، ۲۰۱۴) و با فهم کارکرد شخصیت مرتبط است، بررسی نقش واسطه‌ای مکانیزم‌های دفاعی حائز اهمیت می‌باشد (کرنبرگ^۳، ۱۹۸۵؛ مارتینو و همکاران^۴، ۲۰۲۰). من فرد بدون مکانیسم‌های دفاعی قادر نیست عملکرد مناسبی داشته باشد. زمانی که من کودک ضعیف است، مکانیزم دفاعی از آن در برابر هیجانات دردناکی که می‌توانند در رشد و عملکرد او خلل ایجاد کنند محافظت می‌کنند. اما زمانی که رشد من فرد کامل می‌گردد، استفاده از مکانیزم‌های دفاعی می‌تواند عواقب منفی به دنبال داشته باشد (کرامر^۵، ۲۰۱۵)؛ که یکی از عواقب منفی آن ایجاد الگوهای مرضی خوردن می‌باشد (منجم، منیرپور و میرزاحسینی، ۱۳۹۷). مکانیزم‌های دفاعی تحت تاثیر دلبستگی مادر- فرزند شکل می‌گیرد (سادوک و سادوک، ۲۰۱۱؛ گلدبرگ، ۲۰۱۴)، نیازها و تکانه‌های انگیزشی را تنظیم کرده و هدف آن حفظ احساس امنیت روانی به وسیله ایجاد تحریف شناختی^۶ و ایجاد محدودیت در تجارب هشیار احساس و هیجان‌های منفی می‌باشد (هارت^۷، ۲۰۱۴). برخی از مکانیسم‌های دفاعی به فرد کمک می‌کنند تا با عوامل استرس‌زای خارجی و تعارضات عاطفی کنار آید (تالاندینی و کادک^۸، ۲۰۱۰) پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سازوکارهای دفاعی با کیفیت زندگی (رحیمیان بوگر، رضایی و محمدپور، ۲۰۱۷)، خودتعالی (رحیمیان بوگر و طالع پسند، ۲۰۱۵)، فهم کارکرد شخصیت، رشد توانایی ایگو، تنظیم هیجانات، واکنش ذهنی به استرس، سلامت جسمی و روانی، کیفیت روابط و نتایج فرآیند درمانی مرتبط است و هر چه دفاع‌های فرد بالغ‌تر باشد اعتیاد به پرخوری در

9. Riley

10. Yona-Drori & Ben-Shlomo

11. Vainik

12. Carriere

13. Keller & Siegrist

14. Pini

15. Wilkinson, Rowe & Millings

16. Han & Kahn

17. Laczkovics

18. De Francisco Carvalho, Reis & Pianowski

1. defence mechanisms

2. Goldberg

3. Kernberg

4. Martino et al.

5. Cramer

6. cognitive distortion

7. Hart

8. Tallandini & Caudek

عمومی بود. ملاک‌های ذکر شده با خود گزارشی شرکت‌کنندگان در زمینه‌ی سابقه‌ی پزشکی و روانپزشکی سنجیده شدند.

ابزارها

پرسش‌نامه‌ی رفتارهای خوردن داچ (DEBQ): پرسش‌نامه رفتارهای خوردن داچ در سال ۱۹۸۶ توسط ون استرین و همکاران با هدف سنجش سبک‌های خوردن هیجانی (سوالات ۱-۳-۵-۸-۱۰-۱۳-۱۶-۲۰-۲۳-۲۵-۲۸-۳۰-۳۲)، برونی (سوالات ۲-۶-۹-۱۲-۱۵-۱۸-۲۱-۲۴-۲۷-۳۳)، و بازداری شده (سوالات ۴-۷-۱۱-۱۴-۱۷-۱۹-۲۲-۲۶-۲۹-۳۱) ساخته شد. این پرسش‌نامه‌ی خودسنجی دو بخش دارد. در بخش نخست پرسش‌نامه، مشخصات آزمودنی و اطلاعاتی در خصوص قد، وزن و ... سنجیده می‌شود. و بخش دوم پرسش‌نامه شامل ۳۳ سؤال و سه خرده مقیاس برای سنجش سبک‌های خوردن هیجانی، بیرونی، و بازداری می‌باشد. پاسخ‌های شرکت‌کنندگان به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای است (هرگز: ۱ به ندرت: ۲ گاهی: ۳ اغلب: ۴ بسیار زیاد: ۵). مجموع نمرات هر خرده مقیاس، نمره خام آن خرده مقیاس را تشکیل می‌دهد. برای محاسبه نمره معیار باید نمره خام را تقسیم بر تعداد پرسش‌های پاسخ داده شده همان مقیاس کنیم. اگر از هر خرده مقیاس بیش از یک سؤال بی پاسخ باقی بماند، نمره آن مقیاس از درجه اعتبار ساقط است و محاسبه نمی‌گردد. این پرسش‌نامه از اعتبار بازآزمایی، همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۸ تا ۰/۹۵) و روایی عاملی مناسبی برخوردار است. (ون استرین و همکاران، ۱۹۸۶) ون استرین و همکاران (۱۹۸۶) با روش تحلیل عاملی روایی را بررسی نمودند و نتایج تحلیل‌های آن‌ها نشان داد تمامی پرسش‌ها بار عاملی بالای ۰/۴۵ دارند. این پرسش‌نامه برای بار نخست توسط صالحی فدر به فارسی ترجمه و در پژوهش‌ها استفاده گردید که بر اساس آن آلفای کرونباخ بالا (از ۰/۸۲ تا ۰/۹۳) را برای این پرسش‌نامه گزارش نمودند (صالحی فدری و همکاران، ۱۳۹۲). همسانی درونی ریز مقیاس‌های این پرسش‌نامه در ایران عبارتند از ۰/۹۵ برای خوردن هیجانی، ۰/۹۱ برای خوردن بازداری شده و ۰/۸۵ برای خوردن بیرونی. (کچوبی، مرادی، کاظمی و قنبری، ۱۳۹۵). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسش‌نامه حاضر ۰/۷۰۵ بود.

فرم کوتاه مقیاس سطوح کارکرد شخصیت (LPFS-BF): فرم کوتاه مقیاس سطوح کارکرد شخصیت جهت سنجش میزان نقص در کارکرد شخصیت توسط هاتسبات و همکاران (۲۰۱۵) ساخته شد. این پرسش‌نامه یک مقیاس خودگزارشی است که شامل ۱۲ پرسش است و کارکردهای شخصیت را در دو سطح خود و میان فردی که در

مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد (وان رایبل و همکاران، ۲۰۲۰). به علاوه، با توجه به هنجارهای فرهنگی جامعه ایران و استرس‌های روانی اجتماعی موجود بخصوص در سال‌های اخیر (ابراهیمی و همکاران، ۱۴۰۱) که از جمله آن می‌توان به اوضاع اقتصادی- معیشتی، بیماری همه گیر کووید-۱۹ و به دنبال آن قرنطینه‌ی خانگی، افزایش مرگ و میر اطرافیان و تعطیلی کسب و کارها اشاره نمود، افراد هر روزه در حال تجربه‌ی هیجانات منفی همچون اضطراب، استرس، غم، ترس، و خشم می‌باشند و در نتیجه بسیاری از افراد به پرخوری و خوردن هیجانی اقدام می‌نمایند. با در نظر گرفتن این موضوع که خوردن هیجانی می‌تواند عوارض روانشناختی و خطرات بسیاری برای سلامتی داشته باشد؛ بررسی نقش عوامل مؤثر بر خوردن هیجانی اهمیت بالایی دارد و در نتیجه با کنترل این عوامل می‌توان از شکل‌گیری خوردن هیجانی و عوارض و هزینه‌های ناشی از آن پیشگیری نمود. از این رو به دلیل کمبود قابل توجه در ادبیات پژوهشی مربوط به متغیرهای این مطالعه و جهت شفاف‌سازی نقش این متغیرها، مسئله مورد بررسی پژوهش حاضر این بود که آیا سطح کارکرد شخصیت و سبک‌های دلبستگی بطور مستقیم یا غیرمستقیم و با میانجی‌گری مکانیزم‌های دفاعی با خوردن هیجانی رابطه دارند؟

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع مطالعات بنیادی، به لحاظ نحوه‌ی جمع‌آوری داده‌ها از نوع همبستگی و به لحاظ روش‌شناسی علمی در انجام پژوهش مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه‌ی افراد ۱۸ تا ۵۶ سال استان مازندران فعال در فضای مجازی در سال ۱۴۰۰ بودند. نمونه‌ی پژوهش نیز شامل افرادی بود که در بازه‌ی زمانی فروردین ۱۴۰۰ تا شهریور ۱۴۰۰ در مطالعه شرکت کرده و پرسش‌نامه‌های آنلاین را تکمیل نمودند. بنابراین حجم نمونه بر اساس محاسبه پارامترهای مدل مشخص گردید (تاباخنیک و فیدل و اولمان^۲، ۲۰۰۷). لذا نمونه‌ی ۸۴۳ نفری به صورت در دسترس انتخاب گردید که ۴۳ نفر به دلیل خارج بودن اختلالات روانی و یا بیماری‌های طبی عمومی از پژوهش خارج شدند و در نهایت ۸۰۰ پرسش‌نامه توسط شرکت‌کنندگان تکمیل شد. ملاک‌های ورود به پژوهش شامل سن ۱۸ تا ۶۰ سال، داشتن سواد خواندن و نوشتن و نداشتن اختلالات روانپزشکی و بیماری‌های طبی

انکار (سوالات ۱۸- ۸)، نارزنده‌سازی (سوالات ۱۳-۱۰)، گذار به عمل (سوالات ۲۰- ۱۱)، خیال‌پردازی اوتیستیک (سوالات ۱۴- ۱۷)، بدنی‌سازی (سوالات ۲۷- ۱۲)، لایه‌سازی (سوالات ۱۹- ۲۲)، جابه‌جایی (سوالات ۳۳- ۳۱)، مجزاسازی (سوالات ۳۴- ۳۷) و پرخاشگری منفعلانه (سوالات ۲۶- ۲۳). مکانیزم‌های روان آزرده: دیگر دوستی کاذب (سوالات ۳۹- ۱)، عقلانی‌سازی (سوالات ۲۴- ۲۱)، تشکل و انکشی (سوالات ۲۸- ۷) و ابطال (سوالات ۴۰- ۳۲). مکانیزم‌های دفاعی رشد یافته: والایش (سوالات ۳۸- ۳)، شوخ طبعی (سوالات ۲۶- ۵)، پیشاپیش نگری (سوالات ۳۵- ۳۰) و فرونشانی (سوالات ۲۵- ۲). پاسخ‌دهی به سؤال‌ها از کاملاً مخالفم با نمره‌ی ۱ و کاملاً موافقم با نمره‌ی ۹ می‌باشد. فرد در هر مکانیزم دفاعی نمره‌ای بین ۲ تا ۱۸ بدست می‌آورد. اگر فرد در هر مکانیزمی نمره‌ی بیشتر از ۱۰ کسب کند این معنا را دارد که آن مکانیزم در او فعال است. میانگین نمرات هر سبک دفاعی با سبک‌های دیگر نیز مقایسه می‌گردد تا مشخص شود فرد از کدام نوع رشد یافته، رشد نیافته یا روان آزرده بهره می‌گیرد. حیدری نسب و همکاران (۱۳۸۶) این پرسش‌نامه را در نمونه‌های ایرانی مورد مطالعه و واری‌های روان‌سنجی قرار دادند و نتایج نمایانگر اعتبار قابل قبول در نمونه‌های ایرانی بود. به طوری که آلفای کرونباخ در دانش‌آموزان ۰/۷۱ و در دانشجویان ۰/۷۸ و ضریب همبستگی بین دو نیمه ۰/۵۴ گزارش گردید (حیدری نسب و همکاران، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه حاضر ۰/۷۸۵ بود.

جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تحلیل مسیر و مدل‌یابی معادله ساختاری و با استفاده از نرم افزار LISREL-8 استفاده شد. همچنین پژوهش حاضر دارای شناسه مصوبه‌ی اخلاق پژوهش IR. SEMUMS. REC. 1399. 335 می‌باشد که در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۵ توسط کمیته‌ی اخلاق در پژوهش دانشگاه علوم پزشکی سمنان به ثبت رسید.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۸۰۰ نفر شرکت داشتند که میانگین متغیر سن در دامنه ۲۸/۹۷ و با انحراف استاندارد ۹/۰۰ بدست آمد. همچنین تعداد ۴۳۱ نفر (۵۳/۹ درصد) مجرد و تعداد ۳۶۹ نفر (۴۶/۱ درصد) متأهل بودند. هم‌منظور تعداد ۶۶۵ نفر (۸۳/۱) را زنان و ۱۳۵ نفر (۱۶/۹) را مردان تشکیل داده بودند. ۲۱۷ نفر از پاسخگویان زیر ۳ میلیون تومان (۲۷/۱ درصد) و ۲۷۹ نفر ۳ تا ۶ میلیون تومان (۳۴/۹ درصد) و ۱۷۰ نفر ۶ تا ۹ میلیون تومان (۲۱/۳ درصد) و ۱۳۴ نفر بیشتر از ۹ میلیون تومان (۱۶/۸ درصد) درآمد داشتند. همچنین تعداد ۶۹۲ نفر (۸۶/۵

سطح کارکرد خود شامل سطح هویت و خود جهت دهی و در سطح میان فردی شامل همدلی و صمیمیت می‌باشد می‌سند. این گویه‌ها بر روی مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت از صفر (کاملاً غلط) تا ۳ (کاملاً درست) نمره گذاری می‌گردند. ضریب همسانی درونی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۷ و برای کارکردهای خود میان فردی و درون فردی به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۵ به دست آمده که نشان دهنده‌ی پایایی خوب این ابزار می‌باشد (امینی و همکاران، ۱۳۹۷؛ زعیم زاده، لطفی و امینی، ۱۳۹۹). در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه حاضر ۰/۷۵۱ بود.

پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (RAAS): پرسش‌نامه سبک دلبستگی بزرگسالان کولینز و رید (۱۹۹۰) یک پرسش‌نامه‌ی خودگزارشی ۱۸ سؤالی است که مهارت‌های ایجاد روابط و نحوه‌ی شکل‌دهی روابط دلبستگی و سه سبک دلبستگی ایمن (سوالات ۱، ۶، ۸، ۱۲، ۱۳، ۱۷)، اجتنابی (۲، ۵، ۷، ۱۴، ۱۶، ۱۸) و اضطرابی (سوالات ۳، ۴، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۵) را از طریق طیف لیکرت پنج درجه‌ای ارزیابی می‌کند. به طوری که برای گزینه‌های یک تا پنج به ترتیب نمرات ۰ تا ۴ در نظر گرفته می‌شود. سوالات ۵، ۶، ۸، ۱۶، ۱۷، ۱۸ پیش از جمع کردن باید بطور معکوس نمره گذاری شوند. از طریق تحلیل عاملی سه زیر مقیاس برای این پرسش‌نامه مشخص شد که هر زیر مقیاس شامل ۶ ماده است. سه زیر مقیاس این پرسشنامه شامل وابستگی (D)، نزدیک بودن (C) و اضطراب (A) می‌باشد (مالینکروودت و همکاران؛ به نقل از پاکدامن، ۱۳۸۰). زیر مقیاس اضطراب با دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا، مقیاس نزدیک بودن با دلبستگی ایمن و زیرمقیاس وابستگی تقریباً با عکس دلبستگی اجتنابی مطابقت داد. کولینز و رید (۱۹۹۰)، اعتبار زیر مقیاس‌ها را هم از روش باز آزمایی پس از دو ماه باز آزمون و هم از طریق آلفای کرونباخ بین ۰/۶۹ تا ۰/۷۵ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز پژوهش پاکدامن (۱۳۸۰) به بررسی اعتبار و روایی نسخه فارسی این مقیاس پرداخته و نتایج حاصل از دوبار اجرای این پرسش‌نامه با فاصله زمانی یک ماه بیانگر آن بود که این پرسش‌نامه در سطح ۰/۹۵ دارای اعتبار است. در پژوهش حاضر نیز آلفای کرونباخ پرسشنامه حاضر ۰/۷۴۱ بود.

پرسش‌نامه سبک‌های دفاعی (DSQ-40): پرسش‌نامه‌ی سبک‌های دفاعی در سال ۱۹۹۳ توسط آندروز و همکاران منتشر شد که دارای ۴۰ سؤال است و بیست مکانیزم دفاعی را در سه سبک دفاعی روان آزرده، رشد یافته و رشد نیافته مورد پرسشگری قرار می‌دهد. مکانیزم‌های دفاعی رشد نیافته: فرافکنی (سوالات ۲۹- ۶)، دلیل تراشی (سوالات ۱۶- ۴)، همه کار توانی (سوالات ۱۵- ۹)،

کارمند رسمی بودند. در نهایت، ۴۷۸ نفر، معادل (۵۹/۸ درصد) دارای موقعیت اجتماعی متوسط و ۲۷۷ نفر معادل (۳۴/۶ درصد) دارای موقعیت اجتماعی خوب قرار داشتند. در جدول ۱، اطلاعات توصیفی متغیرهای مورد بررسی شامل میانگین، انحراف معیار و روابط همبستگی گزارش شده است.

درصد) در شهر و تعداد ۷۷ نفر (۹/۶ درصد) در روستا بودند. از نظر مدرک تحصیلی نیز ۴۱۵ نفر، (۵۱/۹ درصد) دارای مدرک کارشناسی، ۲۶۴ نفر (۳۳/۰ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۱۷ نفر (۲/۱ درصد) دارای مدرک دکتری بودند. همین طور، ۴۷۶ نفر (۵۹/۵ درصد) بیکار و ۱۱۶ نفر (۱۴/۵ درصد) دارای شغل پاره وقت و ۹۷ نفر (۱۲/۱ درصد) دارای شغل قراردادی و ۹۲ نفر معادل (۱۱/۵ درصد)

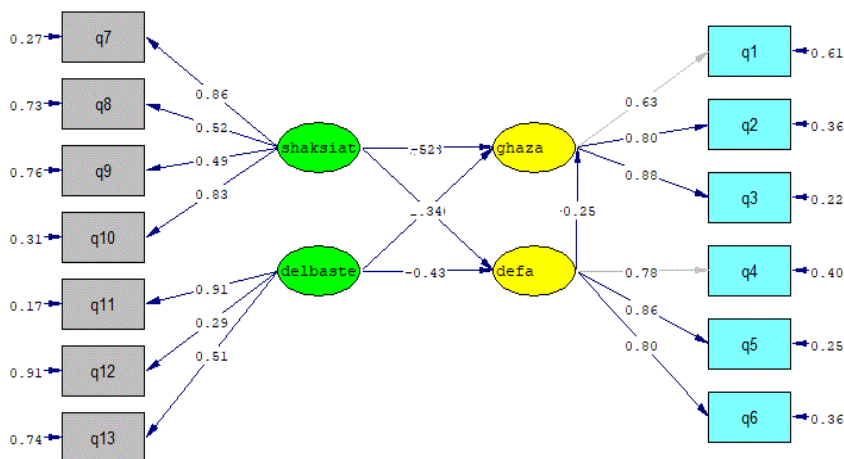
جدول ۱. میانگین، انحراف معیار و ماتریس همبستگی متغیرهای مورد بررسی

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
میانگین	۳۷/۲۳	۱۰/۴۹	۳۴/۱۵	۱۲/۳۷۷	۱۱/۵۷	۱۰/۱۹	۱۹۴/۵۹	۹۷/۱۷	۳۳/۹۷	۶۳/۴۴
انحراف معیار	۱/۹۲۹	۶/۵۷	۸/۹۴	۳/۰۳	۳/۰۱	۵/۸۹	۳۵/۳۸	۱۸/۶۳	۹/۷۶	۱۴/۴۷
۱- خوردن هیجانی	۱									
۲- شخصیت	*.۰/۴۲	۱								
۳- دلبستگی	*.۰/۳۶	*.۰/۶۳	۱							
۴- ایمن	*.۰/۴۵	*.۰/۰۶	*.۰/۴۸	۱						
۵- اجتنابی	*.۰/۴۲	*.۰/۴۸	*.۰/۷۵	*.۰/۲۰	۱					
۶- دو سوگرا - اضطرابی	*.۰/۴۵	*.۰/۶۷	*.۰/۸۷	*.۰/۱۲	*.۰/۵۲	۱				
۷- مکانیزم دفاعی	*.۰/۴۲	*.۰/۳۰	*.۰/۴۳	*.۰/۳۳	*.۰/۲۵	*.۰/۳۵	۱			
۸- رشد نیافته	*.۰/۴۱	*.۰/۲۴	*.۰/۳۳	*.۰/۲۸	*.۰/۱۹	*.۰/۲۶	*.۰/۸۷	۱		
۹- رشد یافته	*.۰/۴۱	*.۰/۵۷	*.۰/۲۳	*.۰/۲۵	*.۰/۱۲	*.۰/۱۶	*.۰/۷۵	*.۰/۵۰	۱	
۱۰- روان آزرده	*.۰/۴۵	*.۰/۳۷	*.۰/۴۷	*.۰/۲۷	*.۰/۳۰	*.۰/۴۲	*.۰/۸۱	*.۰/۴۹	*.۰/۵۱	۱

نمودار ۱ شاخص‌های برازندگی الگوی تحلیلی در مدل علی پژوهش را نشان می‌دهد. بر این اساس اثر مستقیم سطوح کارکرد شخصیت بر رفتارهای خوردن هیجانی پژوهشی (۰/۵۲) با آماره آزمون ۲/۵۱ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مثبت و معنادار بود. اثر مستقیم سبک دلبستگی بر رفتارهای خوردن هیجانی پژوهشی (۰/۳۴) با آماره آزمون ۱۱/۸۰ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مثبت و معنادار بود. اثر مستقیم سبک‌های دفاعی بر رفتارهای خوردن هیجانی پژوهشی (۰/۲۵) با آماره آزمون ۵/۵۰ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مثبت و معنادار بود. اثر مستقیم سبک دلبستگی بر رفتارهای سبک‌های دفاعی پژوهشی (۰/۴۳) با آماره آزمون ۴/۲۸ در سطح معنی‌داری ۰/۰۵ مثبت و معنادار بود.

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود میانگین، انحراف معیار و روابط همبستگی متغیرهای مورد بررسی گزارش شده است. در ادامه برای نرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. نتایج نشان داد که توزیع نمرات متغیرهای خوردن هیجانی ($Z-K=0/135$; $P=0/523$)، سطوح کارکرد شخصیت ($Z-K=0/215$; $P=0/123$)، سبک دلبستگی ($Z-K=0/138$)، و سبک‌های دفاعی ($Z-K=0/122$; $P=0/108$) دارای توزیع نرمال می‌باشد. همچنین نتایج اولیه تحلیل مؤلفه‌های اصلی در مورد ابزار پژوهش نشان داد که همه گویه‌ها دارای بار عاملی مناسب هستند و هیچ گویه‌ای از پرسش‌نامه حذف نمی‌شود. بر این اساس، مقدار کفایت نمونه‌گیری کایزر میر-اکلین^۱ ($KMO=0/794$) و آزمون کرویت بارتلت^۲ ($10902/864$) در سطح (۰/۰۰۱) معنادار به دست آمد.

1. Kaiser-Meyer-Okin
2. Bartlett's test of sphericity



Chi-Square=457.93, df=232, P-value=0.00000, RMSEA=0.062

نمودار ۱. مدل استاندارد معادله ساختاری متغیرهای پژوهش

جدول ۲. شاخص‌های برازش الگوی اصلی

شاخص‌ها	مقدار قابل قبول	مقدار یافته پژوهش	مطلوبیت
Chi-square	-	۴۵۷/۹۳	-
p-value	-	۰/۰۰۱	تائید مدل
Df (درجه آزادی)	$df \geq 0$	۲۳۲	تائید مدل
χ^2 / Df	$\chi^2 / Df < 3$	۱/۸۵	تائید مدل
RMSEA	$RMSEA < 0.1$	۰/۰۶۲	تائید مدل
NNfi	$NNfi > 0.8$	۰/۸۴	تائید مدل
Nfi	$Nfi > 0.8$	۰/۸۸	تائید مدل
AGfi	$AGfi > 0.8$	۰/۸۵	تائید مدل
Gfi	$Gfi > 0.8$	۰/۸۷	تائید مدل
Cfi	$Cfi > 0.8$	۰/۸۶	تائید مدل
ifi	$ifi > 0.8$	۰/۸۷	تائید مدل
SRMR	هر چه به صفر نزدیکتر باشد	۰/۲۸	تائید مدل

از طرفی دیگر شاخص‌های برازندگی الگو مانند Nfi ، $NNfi$ ، $AGfi$ ، Gfi ، Cfi و ifi همگی در حد قابل قبولی قرار دارند و شاخص SRMR نیز ۰/۲۱ است که هر چه به صفر نزدیکتر باشد از درجه مطلوبیت بیشتری برخوردار است.

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌گردد، مقدار آماره کای دو در مدل ۴۵۷/۹۳، درجه آزادی نیز برابر با ۲۳۲ است که حاصل نسبت آن برابر با ۱/۸۵ است، که در حدود مقدار قابل قبول قرار دارد.

جدول ۳. ضرایب مسیر مستقیم و غیرمستقیم استاندارد شده و غیر استاندارد شده نقش ساختاری سطح کارکرد شخصیت و سبک‌های دلبستگی بر خوردن هیجانی با در نظر گرفتن عامل واسطه‌های مکانیسم‌های دفاعی

مسیرهای مستقیم و غیر مستقیم	ضریب استاندارد	ضریب غیر استاندارد	خطای استاندارد	مقدار t	سطح Sig.
اثرات مستقیم					
(۱) سطح کارکرد شخصیت بر خوردن هیجانی	۰/۵۲	۰/۵۱	۰/۷۰	۲/۵۱	۰/۰۳
(۲) سبک دلبستگی ایمن بر خوردن هیجانی	۰/۹۱	۰/۶۸	۰/۳۱	۱۱/۸۰	۰/۰۱
(۳) سبک دلبستگی نایمن-اضطرابی بر خوردن هیجانی	۰/۳۹	۰/۷۳	۰/۸۱	۵/۵۰	۰/۰۲
(۴) سبک دلبستگی نایمن-اجتنابی بر خوردن هیجانی	۰/۵۱	۰/۷۱	۰/۷۴	۹/۹۱	۰/۰۱
اثرات غیر مستقیم					
(۱) اثر ساختاری غیرمستقیم سطح کارکرد شخصیت از طریق مکانیزم دفاعی رشد یافته بر خوردن هیجانی	۰/۷۶	۰/۷۰	۱/۶۳۰	۲۳/۰۰۵	۰/۰۱
(۲) اثر ساختاری غیرمستقیم سطح کارکرد شخصیت از طریق مکانیزم دفاعی رشد نیافته بر خوردن هیجانی	۰/۸۳	۰/۷۵	۲/۲۴۹	۱۶/۰۵۶	۰/۰۱
(۳) اثر ساختاری غیرمستقیم سطح کارکرد شخصیت از طریق مکانیزم دفاعی روان آزرده بر خوردن هیجانی	۰/۷۹	۰/۶۸	۱/۹۰۶	۱۸/۰۵۰	۰/۰۱
(۴) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن از طریق مکانیزم دفاعی رشد یافته بر خوردن هیجانی	۰/۶۱	۰/۷۳	۲/۰۷۲	۱۷/۲۲۰	۰/۰۱
(۵) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن از طریق مکانیزم دفاعی رشد نیافته بر خوردن هیجانی	۰/۷۸	۰/۷۲	۲/۵۱۷	۱۳/۷۵۱	۰/۰۲
(۶) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی ایمن از طریق مکانیزم دفاعی روان آزرده بر خوردن هیجانی	۰/۸۶	۰/۷۰	۲/۲۸۲	۱۴/۴۵۹	۰/۰۱
(۷) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی نایمن-اضطرابی از طریق مکانیزم دفاعی رشد یافته بر خوردن هیجانی	۰/۶۱	۰/۷۳	۱/۶۰۵	۲۳/۱۹۷	۰/۰۱
(۸) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی نایمن-اضطرابی از طریق مکانیزم دفاعی رشد نیافته بر خوردن هیجانی	۰/۶۰	۰/۷۴	۲/۲۴۸	۱۶/۰۱۵	۰/۰۱
(۹) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی نایمن-اضطرابی از طریق مکانیزم دفاعی روان آزرده بر خوردن هیجانی	۰/۶۷	۰/۶۸	۱/۹۰۶	۱۸/۰۷۳	۰/۰۱
(۱۰) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی نایمن-اجتنابی از طریق مکانیزم دفاعی رشد یافته بر خوردن هیجانی	۰/۷۲	۰/۷۷	۲/۱۱۰	۱۷/۴۰۴	۰/۰۱
(۱۱) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی نایمن-اجتنابی از طریق مکانیزم دفاعی رشد نیافته بر خوردن هیجانی	۰/۷۹	۰/۶۹	۲/۵۵۴	۱۳/۸۳۵	۰/۰۲
(۱۲) اثر ساختاری غیرمستقیم سبک دلبستگی نایمن-اجتنابی از طریق مکانیزم دفاعی روان آزرده بر خوردن هیجانی	۰/۷۳	۰/۶۵	۲/۲۰۶	۱۵/۴۱۵	۰/۰۱

یافته می‌توان گفت سبک دلبستگی ایمن با غذاخوردن به شکل مناسب همراه است. پیوند عاطفی مادر- کودک نقش مهمی در خودتنظیمی عاطفی، رفتاری و اجتماعی کودک دارد. افراد با دلبستگی ایمن زمانی که در زندگی با تهدیدی روبرو می‌شوند می‌توانند از راهبردهای مقابله‌ای و تنظیم هیجان به شکل کارآمدی استفاده کنند. همینطور نتایج نشان داد که بین سبک دلبستگی ناایمن-اضطرابی و غذاخوردن هیجانی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. این یافته در تأیید نظر الکساندر (۲۰۱۳) و فابر و همکاران (۲۰۱۸) است و با نتایج پژوهش‌های هان و کوهن (۲۰۱۷) و منجم و همکاران (۱۳۹۷) ناهمسو می‌باشد. همان‌گونه که الکساندر (۲۰۱۳) استدلال می‌کند، در تبیین این یافته می‌توان گفت ارتباط بین دلبستگی ناایمن - اضطرابی و خوردن هیجانی توسط ادراک گرسنگی میانجیگری می‌شود. بر اساس نظریه‌ی سایکوسوماتیک، افراد چاق هنگامی که با موقعیت استرس‌زایی مواجه می‌شوند، احساسات فیزیولوژی درونی خود را به اشتباه تحت عنوان گرسنگی برداشت می‌کنند و در نتیجه به خوردن روی می‌آورند. می‌توان گفت نحوه تعامل والد یا مراقب اصلی با کودک در سال‌های نخستین زندگی در چگونگی شکل‌گیری و تداوم باز نمودهای شناختی و عاطفی فرد از خود و دیگران، عملکرد روانی، نحوه رفتار و شخصیت، برخورد با مقررات و برقراری روابط با دیگران تأثیر بسزایی دارد. در صورتی که تعامل مثبتی ایجاد نشود و دلبستگی ناایمن در کودک شکل گیرد، وی در کنترل هیجانات منفی خود با مشکل مواجه شده و برای تنظیم هیجانات خود بر راهبردهای نامطلوبی چون پرخوری و منابع بیرونی همچون غذا تکیه می‌کنند. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده رابطه‌ی معنادار و مستقیم بین سبک دلبستگی ناایمن-اجتنابی و خوردن هیجانی وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش الکساندر (۲۰۱۳) و هان و کاهن (۲۰۱۷) ناهمسو و تا حدودی همسو با نتایج پژوهش‌های منجم و همکاران (۱۳۹۷) و فابر و همکاران (۲۰۱۸) می‌باشد. با توجه به پیشینه‌ی نظری، فرد دارای خوردن بازداری شده در صورتی که با یک عامل از بین برنده‌ی بازداری (همچون اضطراب یا افسردگی) مواجه گردد، کنترل هشیارانه در وی کاهش یافته و دست به پرخوری شدید می‌زند. علاوه بر این، انکار طولانی مدت احساس گرسنگی ممکن است باعث بی توجهی فرد به محرک‌های درونی تنظیم‌کننده‌ی اشتها شده و الگوی خوردن بیرونی یا هیجانی در وی شکل گیرد؛ لذا می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری کرد که وجود خوردن

در جدول ۳، ضرایب کل، مستقیم و غیرمستقیم استاندارد شده متغیرهای مورد بررسی گزارش شده است. مقادیر t و سطح معناداری آن نیز نشان دهنده این است که روابط مطلوب و معناداری بین متغیرها برقرار است.

نتیجه‌گیری و بحث

در راستای هدف پژوهش بر اساس نتایج به دست آمده، بین سطح کارکرد شخصیت و خوردن هیجانی رابطه‌ی مستقیم و معناداری وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های وان ریل و همکاران (۲۰۲۰)؛ کلر و سیگریست (۲۰۱۵)؛ کریر و همکاران (۲۰۱۹)؛ رینال؛ ملیولی و چابرو (۲۰۱۶)؛ واینیک و همکاران (۲۰۱۹) و زکی یی و همکاران (۱۳۹۶) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت یکی از عوامل تأثیرگذار در رفتارهای خوردن آشفته، کنترل نشده و پرخوری که اضافه وزن و چاقی را به دنبال دارد، ویژگی‌ها و اختلالات شخصیتی می‌باشد. (رینال، ملیولی و چابرو، ۲۰۱۶؛ واینیک و همکاران، ۲۰۱۹؛ کریر و همکاران، ۲۰۱۹؛ بشارت، ۱۳۷۹؛ زکی یی و همکاران، ۱۳۹۶). رینال، ملیولی و چابرو (۲۰۱۶) بیان داشتند که شرکت‌کنندگان دارای رفتار خوردن آشفته در مقایسه با سایر شرکت‌کنندگان به‌طور معناداری نمرات بالاتری را برای چندین متغیر از جمله اسکیزوتایپ، سایکلو تایمیک، صفات مرزی و سواس نشان دادند. از آنجا که مدل ابعادی (DSM-5) وجود آسیب در کارکرد شخصیت را برای تشخیص اختلال شخصیت ضروری می‌داند و اختلال در شخصیت نیز با پرخوری و خوردن کنترل نشده ارتباط دارد لذا در راستای نتایج وان ریل و همکاران می‌توان این‌طور نتیجه‌گیری نمود که افراد دارای پرخوری، کارکرد شخصیت ناسازگار بالاتر و کارکرد شخصیت سازگار پایین‌تری دارند. همچنین بر اساس نظریه‌ی تنظیم هیجان که یکی از نظریه‌های رفتار غذا خوردن هیجانی است، خوردن هیجانی می‌تواند با کاهش هیجانات منفی، خلق و خو را بهبود بخشد. لذا با توجه به همپوشی بین مفاهیم تنظیم هیجان در دو متغیر سطح کارکرد شخصیت و غذا خوردن هیجانی به نظر می‌رسد این اشتراک علت ارتباط این دو متغیر با یکدیگر باشد. یافته دیگر این بود که بین سبک دلبستگی ایمن و خوردن هیجانی رابطه‌ی معناداری وجود دارد و جهت رابطه معکوس می‌باشد. نتایج به‌طور غیرمستقیم و تا حدودی با نتایج فابر و همکاران (۲۰۱۸) و بشارت و همکاران (۱۳۹۳) همسو می‌باشد. با توجه به مبانی نظری در تبیین این

بازداری شده در افراد دارای دلبستگی نایمن-اجتنابی به نوعی با خوردن هیجانی مرتبط می‌باشد. نتایج بعدی مبنی بر اینکه سطح کارکرد شخصیت از طریق مکانیزم دفاعی رشد یافته بر خوردن هیجانی اثر ساختاری غیرمستقیم دارد، تأیید شد. این یافته به‌طور غیرمستقیم و تا حدودی با نتایج پژوهش کچویی، فتحی آشتیانی و الهیاری (۱۳۹۱) و ریلی (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. در حقیقت مکانیزم‌های دفاعی تدابیری ناهشیار برای حل‌وفصل هیجانات منفی می‌باشند. از سوی دیگر یکی از نظریات مرتبط با رفتار غذا خوردن هیجانی نظریه‌ی فراراست که اساس آن نظریه‌ی تنظیم هیجان می‌باشد. این نظریه این‌طور بیان می‌کند که خوردن هیجانی باعث می‌شود توجه فرد از خودآگاهی دور شده و به یک محرک لذت بخش همچون غذا معطوف گردد. لذا با توجه به اشتراک کارکرد مکانیزم‌های دفاعی و غذا خوردن هیجانی (یعنی راهکاری برای کاهش هیجانات منفی)، می‌توان ارتباط آن‌ها را تبیین نمود.

همچنین نتایج نشان داد که سطح کارکرد شخصیت از طریق مکانیزم دفاعی رشد نیافته بر خوردن هیجانی اثر ساختاری غیرمستقیم تأثیر دارد. به دلیل نوآوری و جزئی بودن فرضیات، پیشینه‌ی پژوهشی که هر سه متغیر را به‌طور اختصاصی با یکدیگر بررسی کند یافت نشد لذا پژوهشگر بنا بر اجبار به پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه‌ی دوتایی این متغیرها می‌پردازند روی آورد. یافته‌ی این پژوهش تا حدودی با نتایج پژوهش‌های کچویی، فتحی آشتیانی و الهیاری (۱۳۹۱)؛ فرجاد و همکاران (۱۳۹۲)؛ کارواله‌هو، ریس و پیانوسکی (۲۰۱۹)؛ گرانبیری و همکاران (۲۰۱۷) و ریلی (۲۰۱۹) همسو می‌باشد. نتایج پژوهش فرجاد، محمدی، رحیمی و هادیان‌فرد (۱۳۹۲)، گرانبیری و همکاران (۲۰۱۷) و ریلی (۲۰۱۹) نشانگر آن است که افراد دارای مشکلات شخصیتی بیشتر از مکانیزم دفاعی نابالغ استفاده می‌کنند. می‌توان گفت که دفاع‌ها ممکن است احساسات و هیجانات را تحریف نموده و از ابراز سالم آن‌ها جلوگیری کنند که در این شرایط می‌توان گفت مکانیزم دفاعی آسیب‌زا شده است. به علاوه، شخصیت با سبک مکانیزم دفاعی که فرد اتخاذ می‌کند ارتباط دارد. از طرفی با توجه به پیشینه‌ی پژوهشی دفاع نابالغ با خوردن هیجانی مرتبط است و خوردن هیجانی نیز همچون مکانیزم دفاعی راهبردی برای کاهش هیجانات منفی می‌باشد که در نهایت آسیب‌های بسیاری را به دنبال دارد. با توجه به تمام این تفاسیر می‌توان ارتباط بین متغیرها و این فرضیه را تبیین نمود.

همین‌طور با توجه به نتایج، سبک دلبستگی نایمن-اضطرابی و نایمن-اجتنابی از طریق مکانیزم دفاعی رشد نیافته بر خوردن هیجانی اثر ساختاری غیرمستقیم دارد. یافته‌ی این پژوهش با نتیجه‌ی پژوهش لازکوویکز و همکاران (۲۰۱۸) همسو می‌باشد. با توجه به نظر شیور، ساچنر و میکولینسر (۲۰۰۵)، هماهنگی مادر با کودک در موقعیت‌های پراسترس خودتنظیمی و مبانی شناختی و هیجانی و راهبردهای مقابله‌ای کودک را شکل می‌دهد؛ در صورتی که دلبستگی ایمن در فرد شکل نگیرد، قادر به تنظیم هیجانات و کنترل هیجانات خود به شیوه‌ی صحیح نخواهند بود و از راهبردهای نامناسبی همچون پرخوری برای تنظیم هیجانات خود استفاده خواهد کرد. از طرفی بر اساس نظر سادوک و سادوک (۲۰۱۱) و گلدبرگ (۲۰۱۴) مکانیزم‌های دفاعی نیز تحت تأثیر دلبستگی مادر-فرزند شکل می‌گیرد همچنین با توجه به پیشینه‌ی پژوهشی هر چه دفاع‌های فرد بالغ تر باشد اعتیاد به پرخوری در وی کمتر می‌شود. لذا با توجه به مبانی نظری و ارتباطات ذکر شده یافته‌های این پژوهش قابل تبیین می‌باشد. در نهایت نتایج نشان داد که مدل ساختاری پژوهش با داده‌های گردآوری شده برازش قابل قبولی دارد. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌های پیشین از جمله پژوهش‌های کچویی، فتحی آشتیانی و الهیاری (۱۳۹۱)؛ ریلی (۲۰۱۹)؛ لازکوویکز و همکاران (۲۰۱۸)؛ منجم و همکاران (۱۳۹۷)؛ فابر و همکاران (۲۰۱۸)؛ الکساندر (۲۰۱۳)؛ هان و کاهن (۲۰۱۷)؛ کلر و سیگریست (۲۰۱۵)؛ کریر و همکاران (۲۰۱۹)؛ رینال، ملیولی و چابرو (۲۰۱۶)؛ واینیک و همکاران (۲۰۱۹) و بشارت (۱۳۷۹) مرتبط و همسو می‌باشد. بر اساس مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهشی در تبیین این یافته می‌توان گفت توانایی تنظیم هیجان که در کارکرد شخصیت ناسازگار، دلبستگی نایمن و خوردن هیجانی مشترک است ارتباط این متغیرها را نشان می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به نتیجه‌ی پژوهش ریلی (۲۰۱۹) مکانیزم‌های دفاعی نیز با تنظیم هیجان ارتباط دارد؛ زیرا مکانیزم‌های دفاعی تدابیری ناهشیار برای حل هیجانات منفی می‌باشند. لذا با توجه به اشتراک مفهوم تنظیم هیجانی در تمام متغیرها، ارتباط بین آن‌ها و برازش خوب مدل تبیین می‌گردد.

این پژوهش دارای برخی محدودیت‌ها است. از جمله محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استفاده از پرسشنامه آنلاین که باعث می‌شود که قابلیت تعمیم کاهش یابد. بر این اساس به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود که در تحقیقات بعدی پرسشنامه‌ها به صورت حضوری توزیع و

از اضافه وزن و چاقی یاری رسان می‌باشد. همینطور نتایج این پژوهش برای روانشناسانی که در زمینه اختلالات خوردن فعالیت دارند قابل کاربرد است. در نهایت متخصصان تغذیه که به درمان افراد دارای اضافه وزن و چاقی می‌پردازند می‌توانند از نتیجه‌ی این پژوهش برای شناسایی علل پرخوری و درمان چند جانبه بیمار با کمک یک روانشناس بهره بگیرند.

سپاسگزاری

در پایان از تمامی شرکت‌کنندگانی که ما را در این پژوهش یاری کردند، کمال تشکر را داریم.

تکمیل شود. پیشنهاد می‌شود این پژوهش با توجه به دیگر متغیرهای سبک‌های خورد و خوراک (رفتار خوردن محدود شده و خوردن بیرونی) نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشگران آینده پژوهش‌های ابتکاری دیگر مشابه با این مدل با تمرکز بر متغیرهای مشابه بر این نمونه و یا نمونه‌های مشابه دیگر طراحی و اجرا نمایند. با توجه به نتایج به دست آمده نیز پیشنهاد می‌شود که نتایج پژوهش می‌تواند به تدوین و طراحی مداخلات روانشناختی و پروتکل‌های درمان پرخوری و چاقی کمک کند. از این پروتکل‌ها می‌توان برای درمان مراجعه‌کنندگان به کلینیک‌های تغذیه و رژیم درمانی به عنوان یک درمان همراه استفاده نمود. همچنین نتایج پژوهش در طراحی برنامه‌های آموزش روانی و تولید محتوا در زمینه اطلاع‌رسانی و پیشگیری

References

- Alexander, K. E. (2013). Attachment insecurity and emotional eating. Doctoral dissertation, New Jersey: Rutgers University, The State University of New Jersey.
- Alibakhshi, S. Z., Alipour, A., Farzad, V., & Aliakbari dehkordi, M. (2015). The Mediating Role of Depression in Relation Between Attachment and Parenting Style with Overweight and Obesity of Girls Adolescent. *Health Psychology*, 4(13): 41-52. (Persian)
- Alzheimer, G., & Urry, H. L. (2019). Do emotions cause eating? The role of previous experiences and social context in emotional eating. *Current Directions in Psychological Science*, 28(3): 234-240.
- American Psychiatric Association, DSM-5 Task Force. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders: DSM-5™* (5th ed.). Washington, DC: American Psychiatric Publishing, Inc.
- Amini, M., Lotfi, M., Azad, E., & Karami, A. (2018). Assessing The DSM-5 Levels of Personality Functioning: Development and Psychometric Evaluation of the Brief Semi-Structured Interview for DSM-5 Personality Functioning (Bssidpf). *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 28(167): 121-132. (Persian)
- Babadi, A., kajbaf, M.B., nouri, A., & abed, i M. R. (2020). Lived experiences of obese people in overeating: a study of the psychological reasons for obesity in Isfahan. *Journal of Psychological Science*. 19(86): 147-157. (Persian)
- Besharat, M. A. (2001). The Impact of Personality Disorders On Treatment of Eating Disorders. *Journal of Psychology and Education*, 5(2): 64-94. (Persian)
- Besharat, M. A., Shojaei, F., Kiamanesh, A., & Amiri, H. (2015). The Role of Attachment and Parenting in Obese Adults. *Iranian Journal of Diabetes and Metabolism*, 14(2): 105-116. (Persian)
- Birch, J. H. (2002). Treating attachment disorders: From theory to therapy. New York: Guilford Press.
- Bowlby, J. (1969). Attachment and Loss, Vol. 1: Attachment. Basic Books.
- Collins, N. L., Cooper, L., Albino, A., & Allard, L. (2002). Psychosocial vulnerability from adolescence to adulthood: A prospective study of attachment style differences in relationship functioning and partner choice. *Journal of Personality*, 70(6): 965-1008.
- Dakanalis, A., Clerici, M., Carra, G. (2016). Narcissistic Vulnerability and Grandiosity as Mediators Between Insecure Attachment and Future Eating Disordered Behaviors: A

- Prospective Analysis of Over 2,000 Freshmen. *Journal of Clinical Psychology*, 72(3): 279-292.
- De Francisco Carvalhoe, L., Reis, A. M., & Pianowski, G. (2019). Investigating Correlations Between Defence Mechanisms and Pathological Personality Characteristics. *Revista Colombiana de Psiquiatría* (English ed.), 48(4): 232-243.
- Ebrahimi, E., Mohammadi Shirmahaleh, F., Mardani Hamooleh, M., Avatef Fazeli, M., & Habibi, M. (2023). Emotional Eating and Cultural Norms in Iranian Women with Obesity: A Phenomenological Study. *Iranian Journal of Culture and Health Promotion*, 6(4): 694-700. (Persian)
- Escandón-Nagel, N., Peró, M., Grau, A., Soriano, J., & Feixas, G. (2018). Emotional eating and cognitive conflicts as predictors of binge eating disorder in patients with obesity. *International Journal of Clinical and Health Psychology*, 18(1): 52-59.
- Eshraghi, S., Khamosan, A., Dastjerdy, R., Vejdani, M., & Kazemi, T. (2013). Personality traits of patients with myocardial infarction: A case-control study. *Journal of Birjand University of Medical Sciences*, 19(6): 42-49. (Persian)
- Faber, A., Dubé, L., & Knäuper, B. (2018). Attachment and eating: A meta-analytic review of the relevance of attachment for unhealthy and healthy eating behaviors in the general population. *Appetite*, 123, 410-438
- Farjad, M., Mohammadi, N., & Rahimi, Ch., & Hadinfard, H. (2013). The Relationship Between Personality Organization and Defense Mechanisms. *Journal of Psychology*, 17(2): 18-32. (Persian)
- Goldberg, S. (2014). *Attachment and development*. New York: Routledge.
- Granieri, A., La Marca, L., Mannino, G., Giunta, S., Guglielmucci, F., & Schimmenti, A. (2017). The relationship between defense patterns and DSM-5 maladaptive personality domains. *Frontiers in psychology*, 8: 1926.
- Han, S., & Kahn, J. H. (2017). Attachment, emotion regulation difficulties, and disordered eating among college women and men. *The Counseling Psychologist*, 45(8): 1066-1090.
- Hart, J. (2014). Toward an integrative theory of psychological defense. *Perspectives on Psychological Science*, 9(1): 19-39.
- Heidari Nasab, L., Mansour, M., Azadfallah, P., & Shaieeri, M. (2007). Validity and Reliability of Defense Style Questionnaire (DSQ-40) in Iranian Samples. *Clinical Psychology and Personality*, 5(1): 11-27. (Persian)
- Hutsebaut, J., Feenstra, D. J., Kamphuis, J. H. (2015). Development and Preliminary Psychometric Evaluation of a Brief Self-Report Questionnaire for the Assessment of the DSM-5 level of Personality Functioning Scale: The LPFS Brief Form (LPFS-BF). *Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment*, 7(2): 192-197.
- Kachooei, M., Moradi, A., Kazemi, A.S., & Ghanbari, Z. (2016). The discriminative role of emotion regulation and impulsivity in different unhealthy eating patterns. *Feyz*, 20 (4): 383-390. (Persian)
- Keller C, Siegrist M. (2015). Does personality influence eating styles and food choices? Direct and indirect effects. *Appetite*. 84(1): 128-38.
- Kernberg, O. F. (1985). *Borderline conditions and pathological narcissism*. New York, NY: Jason Aronson, Inc.; Reissue edition.
- Kontinen, H., Van Strien, T., Männistö, S., Jousilahti, P., & Haukkala, A. (2019). Depression, emotional eating and long-term weight changes: a population-based prospective study. *International Journal of Behavioral Nutrition and Physical Activity*, 16(1): 1-11.
- Kuipers, G. S., van Loenhout, Z., van der Ark, L. A., Bekker, M. H. J. (2016). Attachment insecurity, mentalization and their relation to symptoms in eating disorder patients. *Attachment & Human Development*, 18(3): 250-272.
- Laczkovics, C., Fonzo, G., Bendixsen, B., Shpigel, E., Lee, I., Skala, K., Prunas, A., Gross, J., Steiner, H., & Huemer, J. (2020). Defense mechanism is predicted by attachment and mediates the maladaptive influence of insecure

- attachment on adolescent mental health. *Current Psychology: A Journal for Diverse Perspectives on Diverse Psychological Issues*, 39(4): 1388–1396.
- Martino, G., Caputo, A., Bellone, F., Quattropiani, M. C., Vicario, C. (2020). Going Beyond the Visible in Type 2 Diabetes Mellitus: Defense Mechanisms and their Associations with Depression and Health-Related Quality of Life. *Personality and Social Psychology Bulletin*. 31(3): 343-359.
- Maunder, R., Hunter, J. (2001). Attachment and psychosomatic medicine: developmental contributions to stress and disease. *Psychosomatic medicine*, 63(4): 556-567.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2019). Attachment orientations and emotion regulation. *Current opinion in psychology*, 25: 6–10.
- Monajem., A., Monirpour., N., & Mirzahosseini., H. (2018). Structural Relationships of the Personality Organization, Object Relations and Defense Mechanisms with Pathological Eating Disorder. *Journal of Clinical Psychology*, 10(2): 1-14. (Persian)
- Pakdaman, Sh. (2001). The relationship between attachment and sociability in adolescence. Doctoral Dissertation in Psychology, Tehran: University of Tehran. (Persian)
- Pini, E., Caslini, M., Zappa, L. E., Bartoli, F., Lax, A., & Clerici, M. (2013). 1762–Defense mechanisms, personality disorders and eating disorders: a comparison. *European Psychiatry*, 28(1): 1-1.
- Rahimian Boogar, I, Rezaei, A., & Mohamadpoor, S. (2017). Quality of life in coronary heart disease patients: The role of defense mechanisms and alexithymia with mediation of psychological distress. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Sciences*, 11(3): e8567.
- Rahimian Boogar, I., & Talepasand, S. (2015). The role of defense mechanisms, personality and demographical factors on complicated grief following death of a loved one by cancer. *Iranian journal of psychiatry*, 10(2): 79-85.
- Raynal, P., Melioli, T., & Chabrol, H. (2016). Personality profiles in young adults with disordered eating behavior. *Eating Behaviors*, 22, 119–123.
- Riley, J. (2019). Defence Mechanisms in Adolescence and the Relationship with Emotional Regulation and Personality Traits. Dublin Business School. *Appetite*, 123: 410-438.
- Sadock, B. J., & Sadock, V. A. (2011). Kaplan and Sadock's synopsis of psychiatry: Behavioral Sciences/Clinical Psychiatry: Lippincott Williams & Wilkins.
- Sepah Mansour, M., & Bagheri, F. (2017). Predicting Health promoting lifestyle from health locus of control and attachment style. *Health Psychology*, 6(22): 131-144. (Persian)
- Shaver, P. R., Schachner, D. A., & Mikulincer, M. (2005). Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression. *Personality and Social Psychology Bulletin*: 31(3), 343-359.
- Skodol, A. E., Morey, L. C., Bender, D. S., Oldham, J. M. (2015). The alternative DSM-5 model for personality disorders: A clinical application. *The American Journal of Psychiatry*, 172(7): 606-613.
- Tabachnick, B. G., Fidell, L. S., & Ullman, J. B. (2007). *Using multivariate statistics* (Vol. 5, pp. 481-498). Boston, MA: Pearson.
- Tallandini, M. A., & Caudek, C. (2010). Defense mechanisms development in typical children. [Electronic version] *Psychotherapy Research*, 20(5): 535-545.
- Teymourpour, N., Moshtagh Bidokhti, N., & Pour Shahbaz, A. (2012). The Relationship Between Attachment Styles and Age with Sexual Guilt in Women. *Ofoogh-E-Danesh*, 17(4): 60-68. (Persian)
- Vainik, U., Garcia-Garsia, I., Dagher, A. (2019). Uncontrolled eating: a unifying heritable trait linked with obesity, overeating, personality and

- the brain. *European Journal of Neuroscience*, 50(3): 2430-2445.
- Van Strien, T. (2018). Causes of emotional eating and matched treatment of obesity. *Current Diabetes Reports*, 18(6): 35.
- Van Strien, T., Frijters, J. E. R., Bergers, G. P. A. & Defares, P. B. (1986). The Dutch Eating Behavior Questionnaire (DEBQ) for Assessment of Restrained, Emotional, and External Eating Behavior. *International Journal of Eating Disorders*, 5(2): 295-315.
- Van-Riel, L., Van-Den-Berg, E., Polak, M., Geerts, M., Peen, J., et al. (2020). Personality Functioning in Obesity and Binge Eating Disorder: Combining a Psychodynamic and Trait Perspective. *Journal of Psychiatric Practice*, 26(6): 472-484.
- Wilkinson, L. L., Rowe, A. C., & Millings, A. (2020). Disorganized attachment predicts body mass index via uncontrolled eating. *International Journal of Obesity*, 44(2): 438-446.
- Yona-Drori, O., & Ben-Shlomo, S. (2021). Addiction to binge eating among women in psychologically abusive relationships: The moderating role of defense mechanisms. *Health care for women international*, 42(10): 1183-1198.
- Zaeimzadeh, L., Lotfi, M., & Amini, M. (2020). Role of Personality Functioning in Predicting Interpersonal and Emotional Problems. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 30(190): 97-108. (Persian)
- Zakiei, A., Morovati, F., Hatamian, P., Bagheri, A., Sheik-Esmaeili, D. (2018). Relationship between Personalities Attributes (Neuroticism, Psychoticism) and Self-efficacy in Weight Control with People's Weight. *Journal of Arak University Medical Sciences*, 20(10): 101-109. (Persian).

